

یادگار عمر

خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق که از لحاظ تربیت سودمند تواند بود

از کتب گرانبهائی که مستقیماً مربوط به پیدایش فرهنگ جدید در ایران و خصوصاً وابسته به تعلیمات عالییه و دانشگاهی میشود، کتاب یادگار عمر آقای دکتر عیسی صدیق استاد دانشکده ادبیات تهران است.

این کتاب در دو جلد انتشار یافته، جلد نخستین آن پاره‌ای از خاطرات مؤلف یعنی از ۱۲۷۳ تا ۱۳۰۹ خورشیدی شامل میشود و بیشتر مربوط به خاطرات تحصیل کودکی و اوایل جوانی و در واقع شامل قسمتی از تاریخ اجتماعی ایران در اواخر دوران قاجار و اوایل سلطنت رضاشاه کبیر است.

جلد دوم که از ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۹ را شامل میشود، حاکی از دوران کمال و پختگی مؤلف محترم است، دورانی که مؤلف در دستگاههای تربیتی و فرهنگی کشور نقش مؤثری به عهده داشته و در واقع با چند تن از همفکران خود پایه فرهنگ جدید را در ایران ریخته است.

مؤلف در فصل اول کتاب پیاس حق‌شناسی و هم از جهت ارائه نظریات تربیتی استادان علوم تربیتی امریکائی از آنان تجلیل می‌کند و ضمناً خاطرات توقف یکساله امریکا و آشنائی با محیط اجتماعی آن کشور را به نحوی دقیق و با قلمی لطیف و دلنشین باز می‌گوید و از ملاقاتهائی که با بسیاری از شخصیت‌های بزرگ اجتماعی و سیاسی امریکا برایش پیش آمده است سخنانی بیان می‌دارد.

آقای دکتر صدیق در مورد طرح تأسیس دانشگاه تهران، اشاره بدنام‌های می‌کنند که وزیر دربار پهلوی طی آن نامه از ایشان خواسته است تا در باب تشکیلات مدارس عالییه و دارالمنون‌های امریکائی تحقیق کنند و وسائل استخدام معلمان متخصص را فراهم نمایند و ایشان طی پیشنهادی بتاريخ خردادماه ۱۳۱۰ اصول نظریات خود را در ۸ ماده به مقام وزارت دربار فرستادند.

فصل دوم کتاب شامل خاطرات سفر ایشان از نیویورک تا تهران است که بدسال ۱۳۱۰ صورت گرفته، اما درین فصل، در باب فرهنگ و ادب قدیم ایران و ترجمه رباعیات خیام

به زبان انگلیسی و ترجمه اشعار حافظ نیز مطالبی هست و معرفی کاملی از فیتز جرالد بعمل آمده و در عین حال بازدید از مصر و دمشق و بغداد و شهرهای بین راه و ذکر خصوصیات سردم و رنناحیه نیز به میان آمده ، در واقع عنوان فصل هر چند مربوط به مسافرت بنظر می رسد ، اما در اصل مطالب گوناگون بسیار مفیدی طی آن گنجانیده شده است .

در فصل سوم کتاب از دانشسرای عالی (دارالمعلمین عالی) که هسته مرکزی دانشگاه تهران به حساب می آید گفتگو شده که به سال ۱۳۱۱ شمسی درخانه قوام الدوله تشکیل گردید و استادان معروف ایرانی آن عبارت بودند از عباس اقبال ، بدیع الزمان فروزانفر ، احمد دهقان (بهمنیار) ، دکتر محمود حسابی ، دکتر رضا زاده شفق ، وحیدالملک شیبانی ، سید محمد کاظم عصار و مسعود کیهان ، و معلمین فرانسوی آن عبارت بودند از ژان آرنو و شارل آندره و گابریل باربر و پل بنویل و دورژوال و آندره ریویر و لوئی لونگ و ژان می تیه ، (ص ۳۳) . سپس از انتقال دارالمعلمین به باغ نگارستان صحبت می کنند و تصاویری نیز به سناسبت مقام آورده اند که بعضی تصاویر آن خصوصا فارغ التحصیلان (یا بدقول آقای دکتر : فرهختگان) اولیه بسیار جالب و لذت بخش است و بدیدن آن از توسعه تدریجی دانشگاه تهران به خوبی واقف می شویم .

فصل چهارم کتاب شامل خاطرات گوناگون و حاکمی از وقایعی است که کم و بیش با مؤلف ارتباط داشته است و در میان این خاطرات میتوان وقایعی یافت که از جهت تاریخ اجتماعی معاصر ایران مفید بنظر می رسد و از آن جمله است : مسافرت تا کور به ایران ، تأسیس انجمن ملی تربیت بدنی ، تأسیس دانشگاه تهران ، گفتاری در باب پروفیسور اسمیت ، هزاره فردوسی ، فرهنگستان ایران ، کنگره نمین گراد ، همدوشی سرد و زن ، استاد صدیق اعلم از واقعه سرک پدر و خودکشی مرحوم داور نیز درین فصل نام میبرد ، و در پایان ، از ورود خود به عرصه سیاست (از ۲۵ شهریور ۱۳۱۹) صحبت میکند و وعده میدهد که بقیه خاطرات زندگی بعد از شهریور ۲ را در جلدی دیگر بد رشته تحریر درآورد . کتاب یادگار عمر از کتابهای بسیار آموزنده است که بهر حال قسمتهائی از آن از جهت تربیت جوانان مملکت بسیار گرانها و در عین حال سودمند خواهد بود .